اعتماد
پارلمان
siasat@etemadnewspaper.ir

عکس: حسین موسوی فراز

غلامرضا مصباحی مقدم نماینده پرنفوذ اصولگرایان مجلس در گفت‌وگو با «اعتماد»:

احمدی‌نژاد شانس آورد که برکنار نشد

اقلیت با طرح سوال و تذکر به نام مجلس آمارسازی می کنند

□ احسان بداغی / **مجلس هفتم که روی کار آمد، او تبدیل شد به یکی از «ژنرال‌های اقتصادی» مجلسی که حالا در دست اصولگرایان بود؛ اصولگرایانی که قرار بود حداقل تا ۱۲ سال بعد، یعنی پایان مجلس نهم، همچنان اکثریت بهارستان را در سیطره خود داشته باشند. هشت سال از این ۱۲ سال اما برای آنها با سختی سپری شد؛ دوران محمود احمدی‌نژاد. دورانی که غلامرضا مصباحی مقدم در صف مقدم منتقدان دولت بود؛ صفی که روز به روز بر حاضران در آن افزوده می‌شد. شلوغ شدن صف انتقاد از احمدی‌نژاد اما او را از مسیری که می‌خواست خارج نکرد؛ مجلس در موضع انتقاد بود و دولت در مسیر سرپیچی؛ مسیری که غلامرضا مصباحی مقدم در گفت‌وگو با «اعتماد» می‌گوید که می‌رفت تا به برکناری احمدی‌نژاد منتهی شود. این مسیر را اما مصلحت‌اندیشی نمایندگان در آن زمان مسدود کرد تا دولت دهم به صورت طبیعی کارش به پایان برسد؛ پایانی که به گفته رییس سابق کمیسیون برنامه و بودجه مجلس برای نمایندگان خشنودکننده بود. غلامرضا مصباحی مقدم به مناسبت هفتم خرداد که در تقویم روز «مجلس» نام گرفته است، در گفت‌وگو با «اعتماد» از شأن نظارتی مجلس دفاع می‌کند. شأنی که به گفته او اکثریت مجلس در دوره احمدی‌نژاد تا جایی که می‌شد آن را حفظ کردند و اکنون اقلیتی سعی دارند با طرح سوالات و استیضاح‌های متعدد آن را جور دیگری نشان دهند.**

■ به سه دوره اخیر مجالس شورای اسلامی انتقادات متفاوتی وارد می‌شود. یک انتقاد که وجه مشترک همه اینهاست به مخدوش شدن وجه نظارتی مجلس بر می‌گردد. در یک تصویر کلی به نظر می‌رسد از یک سو مجلس در قبال دولت آقای احمدی‌نژاد با ویژگی‌های خاصی که داشت، با تسامح بیشتری کار می‌کرد و در دوره آقای روحانی به اعتبار آمارهای رو به افزایش سوالات و تذکرات و کارت‌های زرد این وضعیت فرق کرده است. این دوگانگی که اکنون در رفتار مجلس در قبال دو دولت دهم و یازدهم به چشم می‌خورد را چگونه توضیح می‌دهید؟

این ادعا که مجالس هشتم و نهم نظارت کافی را بر دولت‌های نهم و دهم نداشتند، به نظر من ادعای درستی نیست. هیچ اشکالی ندارد که محققی بر دارد و تمام ذخایر رسانه‌ای را که طی دو دوره گذشته داشته‌ایم، استخراج کند و مشخص سازد مجلس قدرت و قوه نظارتی‌اش را در آن دو دوره چگونه بر دولت آقای احمدی‌نژاد اعمال کرده بود. اتفاقا موقعی که انتخابات سال ۸۴ به نفع آقای احمدی‌نژاد تمام شد و مجلس هم مجلس اصولگرای هفتم بود، برخی رسانه‌ها ادعا کردند که هماهنگی سیاسی بین مجلس و دولت نتیجه‌اش این می‌شود که با هم ساخت و پاخت می‌کنند و یک مجلس آرام و یک دولت آرام را شاهد خواهیم بود، چرا که از اساس هماهنگی حاکم است و دیگر ما اعتراض و نظارتی از جانب مجلس روی دولت نخواهیم داشت. مصاحبه من در همان ایام موجود است. اگر برگردیم عقب و نگاه کنید، من گفتم که اشتباه می‌کنید که مجلس اصولگرا سیاسی کار هم هست.

■ یعنی نبود؟

یقینا نبود یعنی اصلا پیش‌بینی من این بود. بحث قبل از ورود به دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد بود و من گفتم خواهید دید که این دوره مجلس مقابل تخلفات دولت خواهد ایستاد و از خارج مجلس آنهایی که گروه رقیب تلقی می‌شوند در موضع گیری و اعتراض و انتقاد عقب خواهند ماند. طی دو دوره آقای احمدی‌نژاد اگر رسانه‌ها را نگاه کنید اصلاح‌طلبان نسبت به بیان انتقاد از دولت سکوت کردند.

■ واقعا این طور فکر می‌کنید؟ کدام اصلاح‌طلب در برابر احمدی‌نژاد سکوت کرده بود؟

سکوت محض بود.

■ در همان دوره بارها با رسانه‌ها و احزاب و فعالان اصلاح‌طلب برخورد می‌شد، فقط به این دلیل که از دولت انتقاد کرده بودند.

نه، انتقاد نبود. برخوردی اگر بود حاصل برخی پرخاشگری‌ها و رفتارهای ناصحیح بود، الان هم این برخوردها هست ولی در نقاط عطفی که وجود داشت اصلاح‌طلبان یا سکوت کرده بودند یا با کندی به دنبال اصولگرایان می‌آمدند. شما ببینید در قضیه فساد سه هزار میلیاردی چه کسانی کار را جلو بردند و مبارزه و اعتراض کردند؟ در جریان معاون اول آقای احمدی‌نژاد و در جریان خیلی از مسائل دیگر. همه از همین مجلس شروع می‌شد. همه پرونده‌ها را همین نمایندگان اصولگرا گشودند یا در گشوده شدن آن نقش داشتند.

■ آخر در همان سال‌ها فضایی نبود تا اصلاح‌طلبان وارد مجلس یا قدرت بشوند. بعد از سال ۸۸ هم که اوضاع معلوم بود. به عبارتی اصلاح‌طلبان جز دو تا روزنامه و چهار تا سایت مگر چیز دیگری هم داشتند که شما توقع دارید باید در نظارت بر دولت از مجلس جلو می‌افتادند؟ تازه همان‌ها را هم با انواع فشارها اداره می‌کردند.

شما درست است که از همان طیف هستید، اما از رسانه‌های آن طیف محسوب می‌شوید. ما اگر با لیدرهای اصلاحات مواجه شویم راحت‌تر می‌توانیم حرف بزنیم و حرف‌های زیادی هم داریم. جریان اصولگرا، چون اصولگرا هست نمی‌توانست در مقابل تخلفات و کج‌روی‌های دولت قبل آرام بگیرد و سکوت کند. برای همین از نمایندگان اصولگرایی اسم می‌برم که در مجلس هفتم و بعد از پایان دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی منتقد دولت آقای احمدی‌نژاد بودند، از همان اول تا پایان دوره‌اش. آقای نادران، آقای توکلی، بنده و تعداد قابل توجهی از کسانی که در حوزه اقتصاد صاحب‌نظر بودند. جست‌وجو کنید و ببینید که این مجموعه چقدر فعالیت کرده است. اولا در جهت دادن به رفتار دولت و دوما در راستای جلوگیری از تخلفات آن دولت.

■ بحث این است که موفق بودند یا اینکه فقط در حرف انتقاداتی مطرح می‌شد و در عمل اتفاق خاص نمی‌افتاد؟ یعنی دولت راه خودش را می‌رفت.

این حرف دومی است. ما ممکن است بگوییم موفق نبودند که این هم قابل بحث است. اما کار و وظیفه خودشان را انجام دادند. آقای احمدی‌نژاد بیشترین نگرانی‌ها را از داخل مجلس اصولگرا داشت. بیشترین عصبانیت را در عدم همراهی و هماهنگی در تخلفاتش از ناحیه مجلس داشت. اولا دوره اول ریاست‌جمهوری او ما کمتر با تنش بین مجلس و دولت روبه‌رو بودیم ولی بالاخره چند وزیر او در همان دوره استیضاح شدند و به بعضی از وزرای او در همان آغاز رای ندادند. این خودش یک نشانه بود. شاید اگر مقایسه شود این وضعیت با وزرایی که در دولت آقای روحانی به آنها رای دادیم، تعداد وزرای مورد قبول در دولت آقای روحانی بیشتر بود. پس این نشان آن است که مجلس یک مجلس آرام و سر به زیر و منفعل در برابر آقای احمدی‌نژاد نبود. اما در دوره دوم ریاست‌جمهوری او که تنش‌ها بیشتر بروز کرد، سوال از رییس‌جمهوری را برای نخستین بار در تاریخ مجلس داشتیم. نه یک بار بلکه دو بار. دفعه اول هم که سوال شد نه یک سوال، بلکه ۱۰ سوال همزمان مطرح شد و آقای مطهری که نماینده سوال‌کنندگان بود و طراح اصلی سوال، اصلاح‌طلب نبود. او یک اصولگرای اساسی بود. خصوصا همان دوره اول که به مجلس آمد از ناحیه اصولگرایان در لیست ۳۰ نفره تهران بود.

■ البته وقتی زاویه آقای مطهری با دولت و بعد برخی رفتارهای اصولگرایان شروع شد خیلی‌ها سریع گفتند او اصولگرا نیست و اصلاح‌طلب است.

این حرف اصلا درست نبود. او به هیچ عنوان اصلاح‌طلب نیست چون مبانی کاملا متفاوتی با اصلاح‌طلبان دارد.

■ شما امروز او را اصولگرا می‌دانید؟

هنوز اصولگرا است. مطهری همچنان روی اصول تکیه دارد، هر چند رویکرد و ادبیات او متفاوت است. اصولگرا ندانستن افرادی مثل آقای مطهری یک رفتار کاملا افراطی است. ما طبعا در اصولگرایان طیف داریم و با پذیرش این طیف‌بندی‌ها آقای مطهری و نظیر سلایقی مثل آقای ناطق نوری قطعا اصولگرا هستند و اتفاقا من معتقدم از نیروهای ارزشمند اصولگرا هم هستند، هر چند شاید خود بنده هم با برخی عقاید آنها زاویه داشته باشم.

■ به همان بحث نظارت مجلس برگردیم. الان خیلی از اصولگرایان هم معترف هستند آقای احمدی‌نژاد هر چه می‌خواست می‌کرد. مثلا ما در بحث هدفمندی یارانه‌ها شاهد بودیم که چه تخلفات گسترده‌ای صورت گرفت و چقدر قانون نادیده گرفته شد، اما مجلس اگر انتقادی هم می‌کرد، پشت آن اقدامی نبود تا دولت را به مسیر اصلی بازگرداند. این را قبول دارید که اگر قصدی هم برای نظارت وجود داشت، در عمل این نظارت انجام نمی‌شد؟

ما وقتی رسیدیم به قانون هدفمندی یارانه‌ها، آقای احمدی‌نژاد پیشنهاد این موضوع را هم که داد، گفت نیاز به قانون ندارد. بلافاصله ما در مجلس ورود کردیم. اعلام کردیم آغوش ما برای طرح تحول اقتصادی رییس‌جمهوری باز است، اما نیاز به قانون دارد. در ادامه هم برای آن کمیسیون ویژه تشکیل دادیم. برای دومین بار این اتفاق افتاد. نخستین کمیسیون ویژه در مجلس دوم برای قضیه گروگان‌ها تشکیل شد و دومین هم برای موضوع هدفمندی یارانه‌ها. ما با این کار رییس‌جمهور را به چارچوب قانون آوردیم و ایشان چندین بار ابراز ناراحتی کرد از آنچه مجلس تصویب کرده است. حتی در روند تصویب به حالت اعتراض به مجلس آمد و پشت تریبون قرار گرفت که در دادن فرصت به او رییس مجلس مانده بود که آیا آیین‌نامه داخلی به او چنین فرصتی را می‌دهد یا نه. نهایتا هم که فرصت داده شد بنا را بر این گذاشتیم که حرف‌های او را بشنویم و آنچه را قابلیت دارد مطابق قانون اساسی بپذیریم و آنچه قابلیت ندارد را رد کنیم. نهایتا هم روی این ایستادیم و همین کار را کردیم. ایشان هم نهایتا که قانون تصویب شد اعلام کرد که قابلیت اجرا ندارد.

■ یعنی این را مشکل دولت می‌دانید که زیاد قانون‌گریزی می‌کرد؟ به عبارتی آیا منظورتان این است که دولت بیش از اندازه معمول بر گریز از قانون تاکید داشت و همین هم باعث شد که نظارت مجلس دیده نشود؟

نه. بحث چالش بین مجلس از باب قانونگذاری و نظارت بر رییس‌جمهوری با دولت است. اینکه گفته شود مجلس وظیفه نظارتی را انجام نداد من می‌گویم که نه، اتفاقا انجام داد. اما دولت بود که راه خودش را می‌رفت. البته آقای احمدی‌نژاد روحیه لجبازی داشت و آدم خاصی بود ولی مجلس کار خودش را انجام می‌داد و این‌طور نبود که ما بگوییم مجلس در آن شرایط مجلسی بود که در قبال دولت حالت انفعال و خموشی دارد. یک وقت همین احمدی‌نژاد اعلام کرد که هر کار خواستم بکنم با یک قانون جلوی آن را گرفتند. بنده هم پشت تریبون اعلام کردم آقای احمدی‌نژاد، مجلس ریل گذار است و دولت لکوموتیوران. اگر ریلی که ما نصب کردیم، بخواهی از آن منحرف شوی کنار آن را دیوار می‌گذاریم. اگر سرعت را هم افزایش دهی جلوی آن می‌ایستیم و متوقفت می‌کنیم. این صحبت مال زمانی است که گفت می‌خواهم در جیب مردم ماهانه ۲۵۰ هزار تومان بگذارم.

■ خب ما از این وضعیت می‌رسیم به دولت یازدهم. دولتی می‌آید که کارهایش را طبق روال قانون و سر وقت انجام می‌دهد، سعی می‌کند احترام مجلس را حفظ کند اما در نهایت وزرایش در کمتر از دو سال ۱۱ کارت زرد می‌گیرند. یک وزیرش استیضاح و برکنار می‌شود و آمار تذکرها و سوالات از وزرای دولت مرتب رکورد می‌زند. این وضعیت حداقل در ظاهر این طور القا می‌کند که مجلس با دولت زاویه جدی دارد.

در دولت آقای روحانی اتفاقا وقتی که ایشان انتخاب شد، اکثریت مجلس از آن استقبال کرد. استقبال هم نمایشی نبود یعنی ما عمیقا خوشحال بودیم که قرار است ایشان سکان دولت بعدی را به دست بگیرد. استقبال خودمان را هم طی بیانیه‌ای نشان دادیم. ثانیا بیشتر رای را به وزرای پیشنهادی ایشان دادیم و فقط سه وزیر رای نیاوردند.

> **نمی‌توانم بگویم دولت از خط اعتدال خارج شده است. دولت هنوز در چارچوب اعتدال است، گرچه به هر حال نسبت به برخی رفتارها و اقدامات انتقاداتی داریم اما روی هم رفته همچنان آقای رییس‌جمهور و دولت را در چارچوب اعتدال می‌دانیم**

این نشانه حمایت جدی مجلس بود. دولت خیلی فوری لایحه اصلاح بودجه را آورد و با اینکه قانون بودجه تازه توسط مجلس تصویب شده بود، ما اصلاحیه را هم تصویب کردیم. دولت سایر لوایح و قوانینی را که ارایه کرد مورد استقبال مجلس واقع شد.

■ البته در اینجا بحث انضباط قانونی دولت هم خیلی مهم است. وقتی دولت لوایح خود را سر فرصت قانونی به مجلس می‌دهد قطعا باید منتظر همراهی مجلس هم باشد. به عبارتی آیا این موضوع یک چیز دو طرفه نیست؟ یعنی اگر مجلس به عقیده شما همراهی کرده ربطی به انضباط دولت هم دارد یا نه؟

قطعا این موضوع دو طرفه است. حرف من این نیست که مجلس الزاما در قبال دولت لطفی کرده و از آن طرف دولت هیچ کار نکرده است. نه، منظور این است که اگر دولت خود را منضبط کرده مجلس هم با همکاری‌هایی که داشته تلاش دولت را ارج نهاده و آن را نادیده نگرفته است.

■ پس این همه سوال و تذکر و طرح استیضاح برای چیست؟

اینکه صحبت از سوالات و استیضاح‌هاست، به معنای موضع مجلس نیست. یک عده‌ای در مجلس داریم که در دولت آقای احمدی‌نژاد ساکت بودند. نوعی حمایت جدی و همه‌جانبه از او داشتند، خصوصا در سال‌های پایانی مسوولیت دولت دهم. از وقتی هم که آقای احمدی‌نژاد ۱۱ روز خانه‌نشینی را داشت، اکثریت مجلس با او رویکرد جدید را شروع کردند. تا جایی که آن یکشنبه سیاه رخ داد و ایشان آمد در مجلس مصیبتی را برای مجلس و نظام به وجود آورد که تذکر رهبر معظم انقلاب را هم به دنبال داشت. اینها نشان‌دهنده این است که مجلس اکثرا مجلسی نبود که در مقابل انحراف رفتار دولت آقای احمدی‌نژاد کوتاه بیاید ولی اقلیتی داشتیم که آنها همراهی با اکثریت نشان نداده و نمی‌دهند.

■ خب شما می‌گویید که برخی رفتارها نظر مجلس نیست و نظر اقلیتی در این مجلس است. این اقلیت چقدر هستند که می‌توانند تصویر مجلس را بر اساس خواست و رفتار خود بسازند؟

شاید حدود ۷۰ یا ۸۰ نفر باشند. در موضوعات مختلف از ۲۰ تا ۸۰ نفر هستند یعنی وقتی که بیشترین همگرایی را داشته باشند بیشتر از همین ۸۰ نفر نمی‌شوند. در دوره دولت جدید همین اقلیت بیشترین سوالات و تذکرها را دارند. این آمارها را نباید به پای مجلس به عنوان یک موضع سیاسی گذاشت. این آمارها موضع سیاسی مجلس نیست. این اقلیت تلاش می‌کنند تا با طرح سوالات و تذکرها و استیضاح‌های متعدد یک آمارسازی غیرواقعی انجام دهند و بدین ترتیب این گونه القا کنند که مجلس به عنوان یکی از قوای سه‌گانه با قوه مجریه و دولت مشکل و زاویه دارد. من به عنوان یکی از اصولگرایان مجلس که بسیار هم روی اصولگرا بودن خودم اصرار دارم می‌گویم اصلا چنین چیزی نیست. حالا می‌خواهم یک حاشیه هم به این صحبت‌ها بزنم و اینکه اتفاقا این را رسانه‌های اصلاح‌طلب دامن می‌زنند و اقلیت معدود مجلس را به عنوان کل مجلس معرفی می‌کنند یعنی کوچک‌ترین اتفاقی را می‌گویند مجلس چنین کرد و مجلس چنان کرد. ما سخن از مجلس که می‌بریم، یا مجلس و نظر نهایی مجلس مهم است نه اظهارات یک نفر و دو نفر و چند نفر. این را باید توجه کرد. در دوره آقای احمدی‌نژاد این قاطبه مجلس بود که با دولت مخالفت می‌کرد و اعتراض داشت، اما سکوت اقلیتی که بودند به نام مجلس نوشته می‌شد. الان هم اکثریت مجلس همراه دولت است و حمایت می‌کند و همان اقلیت مخالفت‌هایی دارند، اما باز هم موضع آنها به عنوان موضع مجلس معرفی می‌شود. مثلا می‌گویند مجلس طرح سه فوریتی آورده است. در حالی که آن طرح تنها یک نفر مدیریت می‌کرد و دیدیم که آخرش چگونه امضا جمع کرده بودند. این چرا باید به نام مجلس ثبت شود؟ وقتی می‌گوییم مجلس، لااقل باید ۵۰ درصد به علاوه یک را لحاظ کنیم. به هر حال به نظر می‌رسد که در گروه هواداران دولت هم علاقه‌ای وجود دارد تا برخی مخالفت‌ها و رفتارها را به کل مجلس نسبت دهند.

■ پس چرا این کلیت مجلس بازی اقلیت را خنثی نمی‌کند؟

رییس مجلس که از محبوبیت خوبی بین نمایندگان برخوردار است، همراهی خودش و مجموعه بزرگی از نمایندگان را با دولت نشان می‌دهد. آقای لاریجانی تا اینجا به بهترین شکل از دولت حمایت کرده و حمایت ایشان از دولت در دوره‌های مختلف مجلس و دولت‌های گذشته، اگر نگوییم بی‌نظیر بوده حتما کم‌نظیر است.

■ ولی در بزنگاه‌هایی مثل استیضاح آقای فرجی‌دانا و دادن ۱۱ کارت زرد به وزرای دولت و رد شدن تعداد قابل توجهی از وزرای پیشنهادی، نمی‌توان فقط به نقش اقلیت تکیه کرد چون مشخصا این اتفاقات با تصمیم اکثریت افتاد.

واقعیت این است که مگر قرار است مجلس در مقابل حمایت از دولت هیچ مناقشه‌ای نداشته باشد؟ یا قرار است نقد و نظارت و موضع متفاوتی در کار نباشد؟ طبعا اگر یک مجلس کاملا همراه هم باشد این جور مسائل در آن وجود دارد. مگر در مجلس ششم و دولت اصلاحات از این اتفاقات نمی‌افتاد؟ این نشانه پویا بودن مجلس است. به هر حال مجلس نهم هم مجلسی است که در انتخابات سال ۹۲ قسمت عمده‌ای از اعضای آن حامی رقبای آقای روحانی بودند یعنی شما باید نگاه کنید که مناسبات مجلس نهم و دولت یازدهم مناسبات دو مجموعه‌ای است که به لحاظ سیاسی رقیب هم محسوب می‌شوند. همکاری‌های دولت و مجلس اینجاست که اهمیت و ارزش پیدا می‌کند یعنی باید معادله را درست بچینیم؛ اول باید مشخص کنیم که گرایش سیاسی دولت چیست و گرایش سیاسی مجلس چیست. بعد حجم همکاری‌ها را ببینیم و بعد حجم انتقادات و تقابل‌ها را. اینجاست که مشخص می‌شود همکاری این مجلس و دولت تاکنون چطور بوده است.

■ قبول دارید که حداقل در مسائلی مثل استیضاح آقای فرجی‌دانا تقابل بین مجلس و دولت از حد گذشت؟ چون به هر حال این یک مورد را می‌توان با وضعیت دوران احمدی‌نژاد و رفتار وزرای او مقایسه کرد.

آقای فرجی‌دانا با حمایت و رایزنی آقای ابوترابی‌فرد رای آورد. ما هم در آن زمان حمایت کردیم و برای ایشان رای جمع کردیم. رای خیلی خوبی هم آورد. آقای فرجی‌دانا که رای آورد، این رای مشروط بود و به ایشان گفته شده که شما توجه داشته باشید معاونان را باید از طیفی انتخاب کنید که مورد مناقشه نباشد. ما نمی‌گفتیم کی باشد، می‌گفتیم از افراد مورد مناقشه نباشند. اتفاقا ایشان کاری کرد که نخستین انتصاب ایشان اتفاقا دکتر توفیقی بود که آقای دکتر توفیقی در شرایطی قرار داشت که حتی آقای روحانی نتوانسته بود ایشان را به مجلس معرفی کند چون معلوم بود مجلس به او رای نخواهد داد. حالا آیا نصب او به عنوان معاون وزیر یک نوع مخالفت و رویارویی با مجلس تلقی نمی‌شد؟

■ یعنی امکان مدیریت آن ماجرا وجود نداشت؟ چون به هر حال مجلس در دوره آقای احمدی‌نژاد نشان داده بود که اگر قصد داشته باشد می‌تواند مسائلی از این دست را مدیریت کند. نمونه بارزش استیضاح آقای شمس الدین حسینی بود که به جایی نرسید.

من خودم شخصا مخالف استیضاح بودم. اما کار به جایی رسیده بود که نمی‌شد موضوع را جمع کرد. من بنا را بر این گذاشته بودم که اگر تا لحظه آخر هم می‌شود، کاری کنم که آقای فرجی‌دانا برکنار نشوند. آقای فرجی‌دانا چند بار قول داده بود ولی کار دیگری کرد. جریان استیضاح آقای فرجی‌دانا را نباید متر و معیار روابط دولت و مجلس گرفت. آنجا قسمت مهمی از مجلس به این نتیجه رسیده بود که وزارت علوم در پی نادیده گرفتن جایگاه مجلس است. استیضاح آقای فرجی‌دانا شرایط کاملا متفاوتی از دیگر روابط دولت و مجلس داشت. من بابت این موضوع حتی با آقای فرجی‌دانا گفت‌وگوی خصوصی داشتم اما نهایتا رفتارها نوعی از تقابل را القا می‌کرد و نتیجه‌اش هم برکناری ایشان شد.

■ در دولت‌های نهم و دهم یک اتفاقی که می‌افتاد و مکرر تکرار می‌شد، دیر دادن لوایح بودجه بود. حتی دولت در آن زمان رکورد ۸۴ روز دیر کرد در تقدیم لایحه بودجه را هم به نام خود ثبت کرد. اما از آن طرف غیر از برخی انتقادات هیچ اقدام عملی دیگری در کار نبود. منظورم از تضعیف بعد نظارتی مجلس این است که اقدامات مجلس آنقدرها قاطع نبود که دولت را ملزم به بازگشت به مسیر قانون کند.

> **اولا ما عمیقا خوشحال بودیم که قرار است روحانی سکان دولت بعدی را به دست بگیرد. استقبال خودمان را هم طی بیانیه‌ای نشان دادیم. ثانیا بیشتر رای را به وزرای پیشنهادی ایشان دادیم و فقط سه وزیر رای نیاوردند. این نشانه حمایت جدی مجلس بود**

بگذارید من شفاف بگویم. حرف شما این است که چرا ما رییس‌جمهور را استیضاح نکردیم؟

■ نه الزاما.

اما ما این قصد را هم داشتیم. در دو سال آخر آقای احمدی‌نژاد که کج روی‌ها از حد و اندازه خارج شده بود، دولت اصلا و به هیچ عنوان قانون را تمکین نمی‌کرد و اتفاقا در همین سال‌ها اگر پای برخی مسائل به میان نمی‌آمد حتی امکان داشت دولت دهم نتواند به سال چهارم خود برسد.

■ پس چه شد که نهایتا این اتفاق نیفتاد؟

به هر حال ناگزیر یک سری مصلحت‌اندیشی‌هایی بوده است. ما در قضیه خانه‌نشینی ۱۱ روزه احمدی‌نژاد خیلی به استیضاح رییس‌جمهور نزدیک شده بودیم.

■ مصلحت اندیشی‌هایی که اشاره می‌کنید چه بودند؟ چه مصلحتی وجود داشت که جلوی این استیضاح را گرفت؟

اصل اساسی مجلس این بود در شرایطی که ما در یک نوع محاصره اقتصادی قرار داشتیم و نوعی جنگ اقتصادی در جریان بود، نباید در داخل تنش را به اوج برسانیم. در همین حال در منطقه هم ما مسائلی داشتیم که هم مساله عراق و سوریه بود و هم موضوع کشورهای عربی. این مسائل هم نمی‌توانست مورد غفلت قرار بگیرد. خصوصا اگر مسیل خارجی آن روزهای ما نبود، خیلی احتمال داشت که آقای احمدی‌نژاد را برکنار کنیم. در آن روزها چند باری صحبت از استیضاح رییس‌جمهور شد و یک بار در روز دهم خانه‌نشینی موضوع جدی شد. در آن روز امضاها را هم جمع کردیم و مقدمات آن هم فراهم شده بود. من حتی در آن روز درخواست جلسه غیرعلنی کردم و از آقای لاریجانی خواستم که جلسه را غیرعلنی کند تا ما بدانیم وظیفه‌مان در قبال رها کردن اداره کشور چیست. فردای آن روز خانه‌نشینی تمام شد. حتی اگر چند روز دیگر این خانه‌نشینی ادامه می‌یافت باز هم به احتمال بسیار زیاد رییس‌جمهور را برکنار می‌کردیم. یعنی اگر آقای احمدی‌نژاد به دفتر کارش برنمی‌گشت مساله جمع نمی‌شد. تا آنجا هم که ما صبر کردیم و آن ۱۰ روز دست به کاری نزدیم فکر وضعیت کشور را می‌کردیم. اگر بحث تحریم‌ها نبود یا بحث‌های منطقه‌ای نبود، شاید خانه‌نشینی احمدی‌نژاد به ۱۱ روز نمی‌کشید و قبل از آن خیلی سریع ما در مجلس کارش را یکسره می‌کردیم. به هر حال ما ملاحظات سیاسی داشتیم و مصلحت نظام در جاهایی ایجاب می‌کرد که با صبر و طمانینه رفتار کنیم، اما این ملاحظات یک حد نصابی داشت که خیلی مواقع از حد نصاب گذشت و مجلس واکنش نشان داد و در همین جریان خانه‌نشینی آقای احمدی‌نژاد از یک قدمی عدم کفایت سیاسی به محل کارش بازگشت.

■ یعنی از ادامه کار احمدی‌نژاد با این توصیفی که می‌گویید احساس خطری نمی‌شد؟

ببینید قرار نیست که مجلس و دولت در فرآیندهایی که هست همدیگر را زخمی کنند. ما می‌دانستیم که احمدی‌نژاد رییس‌جمهور خوبی برای کشور نیست. اما این را هم می‌دانستیم که آنقدرها خطر ندارد یا بهتر بگویم قدرت ندارد که نظام را به مخاطره بیندازد. به همین دلیل گذاشتیم دوره‌اش تمام و آن دو سال هم سپری شود. اگر آن وقایع زودتر از این و مثلا در سال اول دولت دهم اتفاق می‌افتاد به احتمال بسیار زیاد واکنش مجلس کاملا متفاوت بود. ضمن اینکه در آن روزها ما تنها دو سال از فتنه ۸۸ فاصله داشتیم و اقدام ما می‌توانست زمینه برخی سوءاستفاده‌های مجدد را هم فراهم کند. به هر تقدیر مجموعه مسائلی بود که باعث شد تا استیضاح رییس‌جمهور اجرا نشود.

■ واکنش احمدی‌نژاد هم در این مسائل برای شما مهم بود؟

ببینید ما واکنش احمدی‌نژاد را هم می‌دانستیم. ما اگر یک مقدار واکنش‌ها را تندتر می‌کردیم او هیچ ابایی نداشت که برخی جاها را به هم بریزد. مگر در جریان یکشنبه سیاه چه شد؟ مگر در جریان ۲۲ بهمن قم چه شد؟

■ یعنی هراسی از واکنش احمدی‌نژاد وجود داشت؟

نه. مصلحت ایجاب می‌کرد وگرنه ترسی نبود. سیاست میدان قهرمان‌بازی نیست که بگوییم یکی می‌ترسد و دیگری نمی‌ترسد. سیاست میدان مصلحت‌اندیشی و تامین منافع است. این مهم نیست که چه داوری از آن برخوردها می‌شود، مهم این است که به هر حال مجلس در آن شرایط از یک سو کاری نکرد که کشور به هم بریزد و از سوی دیگر تا جایی که قانون و امکانات اجازه می‌داد جلوی انحراف و قانون‌گریزی را گرفت. مجلس می‌دانست که احمدی‌نژاد با پایان دوره‌اش تمام می‌شود و به همین دلیل دو سال آخر را تحمل کردیم. چون اگر کار دیگری می‌کردیم آنها هم طور دیگری جلو می‌آمدند و چه بسا مسائل تا مدت‌ها ادامه پیدا می‌کرد.

■ شما در جایی از سخنان خود گفتید که روی کار آمدن دولت یازدهم اکثریت مجلس را خشنود کرد. این خشنودی چه دلیلی داشت؟ آیا از پایان کار احمدی‌نژاد خوشحال بودید یا برگزاری آرام انتخابات یا اینکه مشخصا حسن روحانی رییس‌جمهور شده بود؟ سوال دیگری هم که پیش می‌آید این است که مثلا اگر آقای قالیباف که تعداد زیادی هوادار در مجلس داشت رییس‌جمهور می‌شد، خشنودی نمایندگان بیش از این نبود؟

البته نمی‌شود این خوشحالی را به یکی از این عوامل نسبت داد و مجموعه عوامل دست به دست هم دادند تا مجلس از نتیجه انتخابات سال ۹۲ خشنود باشد. اول اینکه یک انتخاباتی برگزار شده بود که در آن رای ملت حتی به اندازه هفت‌دهم درصد، پاسداری شده بود و آرامش آن بعد از تجربه سال ۸۸ یک تجربه بسیار گرانبها و البته اندوخته‌ای برای نظام خواهد بود. شور و شکوه حضور مردم هم برای نمایندگان مهم بود. اما انتخاب خود آقای روحانی هم برای قاطبه مجلس ارزشمند و خوشحال‌کننده بود. ایشان دو دوره نایب‌رییسی مجلس را داشت و سابقه بیش از ۲۰ ساله عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام در کارنامه ایشان است و بالای ۲۰ سال هم مسوول امنیت ملی کشور ما بودند. این جهات باعث شد تا آقای روحانی به یک شخصیت شناخته شده حتی در سطح بین‌المللی، یک شخصیت پخته سیاسی، شخصیتی که مورد اعتماد حضرت امام (ره) در دوره حیات ایشان و بعد از ایشان مقام معظم رهبری بود، تبدیل شود و این مربوط به قبل از ریاست‌جمهوری ایشان است. وقتی نمایندگان دیدند چنین فردی با این مشخصه‌ها قرار است دولت را در اختیار بگیرد بسیار خشنود بودند. البته شاید اگر آقای دکتر قالیباف رای آورده بودند با توجه به گرایش مجلس، خوشحالی نمایندگان قدری بیشتر می‌شد اما وقتی انتخابات به پایان رسید آقای روحانی با آقای قالیباف که در مجلس بیشترین هوادار را داشت، از دید اکثریت فرقی نمی‌کرد. مجلس با این انتخاب می‌دانست که دوره‌ای از تعقل و اعتدال در کشور آغاز می‌شود که می‌تواند نوید آرامش داشته باشد و این برای ما ارزشمند بود. البته این سخن به آن معنا نیست که انتقادی نسبت به ایشان یا دولت یازدهم نباشد.

■ هنوز معتقدید دولت در خط اعتدال است یا نه؟ چون به هر حال برخی اصولگرایان معتقدند دولت از خط اعتدال خارج شده است.

نمی‌توانم بگویم دولت از خط اعتدال خارج شده است. دولت هنوز در چارچوب اعتدال است، گرچه به هر حال نسبت به برخی رفتارها و اقدامات انتقاداتی داریم اما روی هم رفته همچنان آقای رییس‌جمهور و دولت را در چارچوب اعتدال می‌دانیم. اما معتقدیم تحرک این دولت در پاره‌ای از مسائل خصوصا مسائل اقتصادی خیلی کم است و کند حرکت می‌کند. یعنی دولت در این حوزه‌ها روی ریل اعتدال است اما قطارش کند جلو می‌رود.

■ شما به عنوان یک نماینده اصولگرا از مجلس هفتم تاکنون با سه دولت کار کردید. دو سال اول مجلس هفتم همزمان با دولت اصلاحات بود. بعد هشت سال دولت احمدی‌نژاد بود و این دو سال اخیر هم دولت آقای روحانی. همکاری با کدام دولت برای شما به عنوان یک نماینده اصولگرا راحت‌تر بود؟

البته الان نمی‌توان خیلی دولت یازدهم را داوری و قضاوت کرد چون هنوز حتی به پایان سال دوم هم نرسیده است. ولی به نسبت اگر در نظر بگیریم من معتقدم که این دولت معقول‌تر تصمیم می‌گیرد و با احتیاط بیشتری عمل می‌کند و خصوصا اینکه در چارچوب برنامه حرکت می‌کند و خروج از برنامه ندارد. تعداد تخلفات این دولت بسیار کاهش پیدا کرده است و باید توجه کنیم که آقای روحانی میراث چندان مناسبی هم از دولت قبلی خود نگرفت. به همین اعتبار من عقیده دارم که کار کردن با دولت آقای روحانی به مراتب آسان‌تر و ثمربخش‌تر است.

اعتماد
پارلمان
siasat@etemadnewspaper.ir

عکس: صبا طاهریان / اعتماد

نماینده رشت در گفت‌وگو با «اعتماد» از اختلافات بین دولت و نمایندگان منتقد می‌گوید

استراتژی رقبای دولت در مجلس، تنه از بغل است

دولت برای هوادارانش برنامه ندارد

□ احسان بداغی / **«دولت عشق و امید و اعتدال و انعطاف، خط بطلان می‌کشد بر واژه‌های اختلاف»؛ خواننده این شعر در جلسه رای اعتماد به کابینه یازدهم از هواداران حسن روحانی است، هواداری که البته همزمان منتقد برخی مدیران او نیز هست. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده رشت در مجلس هنوز نخستین تجربه حضورش در بهارستان را به پایان نبرده است. با این وجود خیلی وقت است که به جرگه نمایندگان شناخته شده مجلس پیوسته؛ با انتقاداتش از دولت قبل و حمایت‌هایش از دولت فعلی. بیشتر از شعری که برای کابینه روحانی خواند، نطق دفاعیه‌اش از رضا فرجی‌دانا در آن جلسه استیضاح تاریخی به یادها مانده است؛ نطقی که می‌گوید هنوز هم بابت آن تهدید می‌شود. جعفرزاده از جمله هواداران دولت است که خیلی سیاست داخلی حسن روحانی را نمی‌پسندد؛ از ترکیب کابینه‌اش گرفته تا نسبت دولت با هوادارانش. او می‌گوید که خیلی از مدیران ارشد و حتی وزرای کابینه با رقبای این دولت نشست و برخاست دارند و از جای دیگری خط می‌گیرند. خطی که جعفرزاده علنا درباره آن صحبتی نمی‌کند اما تاکید دارد که اطلاعاتش در این رابطه را به اطلاع مقامات عالی دولت رسانده است. در سالروز آغاز به کار مجلس، این نماینده «اعتدالی» در گفت‌وگویی با «اعتماد» از صف‌کشی‌های منتقدان و مخالفان دولت در بهارستان و همین‌طور احتمالات پیش روی مجلس برای یک سال باقیمانده سخن می‌گوید.**

■ شما را باید نماینده حامی دولت بدانیم یا نه؟

در کلیت بله، من از این دولت حمایت می‌کنم. هر چند نقدهایی هم دارم که قسمتی به بدنه دولت و قسمتی هم به شخص رییس‌جمهوری وارد است. اما به هر حال فکر می‌کنم دولت یازدهم کشور را از یک وضعیت خطرناک نجات داد و ما را از لبه پرتگاه دور کرد.

■ خب پس نقد شما به دولت چیست؟

ببینید دولت آقای روحانی یک موقعیت جدید برای کشور ایجاد کرد که باید همه بتوانند از این موقعیت استفاده کنند. اما مهم‌ترین نقد این است که خود دولت در سطوح عالی چشم بر قسمت عمده‌ای از این موقعیت بسته و دارد با مسیر غلط در برخی جاها این موقعیت مناسب را به باد می‌دهد. وقتی خود دولت موقعیت ایجاد شده را بر باد می‌دهد دیگر انتظاری از دیگران نیست که از آن بهره بگیرند و خرابش نکنند.

■ خب این یعنی چه؟ یعنی دولت با اشتباهات خودش دست به انتحار می‌زند؟

نه به این شدت، اما من معتقدم کسی که می‌تواند بیشترین ضربه را به دولت بزند و آن را خراب کند خود دولتی‌ها هستند و متاسفانه در این راه هم برخی از آنها اصلا کم نمی‌گذارند. حرف تکراری است که من می‌زنم، اما مهم است. اینکه خیلی از مدیران ارشد و حتی وزرای آقای روحانی دل‌شان با ایشان نیست. خیلی‌ها در کابینه هستند که از اردوگاه مخالفان دولت خط می‌گیرند. خیلی از مدیران ارشد دولت در استان‌ها هستند که سر سفره‌ای می‌نشینند که در آنجا برای زمین زدن دولت برنامه‌ریزی می‌شود.

■ دولت اینها را می‌داند؟

حدس می‌زنم که باید بدانند. حداقل رییس‌جمهور باید آگاه باشد در کابینه و دولتش چه خبر است. من خودم شخصا اطلاعاتی که در این زمینه داشته‌ام را به مقامات عالی دولت داده‌ام. هم آنچه در استان‌ها بوده و هم آنچه در سطح وزرا خبر داشتم.

■ چقدر این موضوع گسترده است؟

به هر حال در سطحی است که نگران کننده باشد. الان در دولت آقای روحانی همین طیف‌ها برای خودشان رانت و نفوذ دست و پا می‌کنند. فردا کوچک‌ترین اتفاقی بیفتد همه این تخلف‌ها را به نام دولت سند می‌زنند. یعنی می‌آیند و می‌گویند اینها طرفداران و یاران روحانی و جریان اعتدال بودند که آمدند و خوردند و بیت‌المال را ضایع کردند. در حالی که نسبت سیاسی بین اینها و آقای روحانی و اعتدالیون وجود ندارد.

■ ولی به هر حال اگر تخلفی صورت بگیرد، توسط هر کسی که باشد دولت وقت هم شریک و مقصر است؛ باید جوابگو باشد. این را قبول دارید؟

به هر حال فقط به این دلیل که دولت است باید جواب بدهد. حالا ارتباط سیاسی داشته باشد یا نداشته باشد. تخلف اگر اتفاق بیفتد دولت مسوول است و همین هم ما را نگران می‌کند. این خطر بزرگی است که دولت را تهدید می‌کند. به هر حال نظام اداری و بروکراتیک این کشور در دوره احمدی‌نژاد به هم ریخت. کسی هم نمی‌تواند یک شبه آن را درست کند. در دوره احمدی‌نژاد اتفاقی که افتاد این بود که تغییرات اداری و ساختار بروکراتیک و حتی سیاسی به سمتی رفت که زمینه مناسبی برای رشد شبکه‌های فساد به وجود آورده بود. رتبه ایران در جهان به لحاظ فساد اداری و پرونده‌های رنگارنگ تخلف هم این را تایید می‌کند. دولت یازدهم سعی کرد وارد پروژه جمع کردن این وضعیت شود اما دارد سهل انگاری می‌کند. من به عنوان یک فردی که به آقای روحانی و کلیت دولت ایشان علاقه عمیقی دارم نسبت به احتمال بروز برخی فسادها و ظهور مجدد آنها زیر گوش رییس‌جمهور و دولت هشدار می‌دهم.

■ یعنی به همان شکلی که در دولت قبل بود؟

چرا که نه؟ ببینید شبکه فساد در این کشور گسترده شده و این کار دولت‌های نهم و دهم بود. بحث هم یک بحث سیاسی است. اینها توانسته‌اند رابطه بگیرند و نفوذ کنند در سیستم. دولت آقای روحانی در داخل درباره مسائل سیاسی قدری بنا را بر تعارف و رو در بایستی گذاشته است. این البته نرم‌ترین شکلی است که من می‌توانم این موضوع را در قالب آن تعریف کنم. صحیح‌تر بخواهم بگویم این است که کار از تعارف در بسیاری جاها گذشته، یعنی مدیر ارشد دولتی در فلان استان یا فلان دستگاه دارد تمام تلاشش را می‌کند که ضوابط دولت قبل حاکم شود. این تلاش‌ها را چه دولت ببیند و چه نبیند، چه آگاه باشد و چه نباشد، پای دولت یازدهم نوشته می‌شوند. کسی هم که اینها را پای دولت بنویسد حق دارد این کار را بکند. به هر حال دولت مسوول است و باید پاسخ بدهد.

■ دولت چرا طبق گفته شما در این خصوص کم توجه است و به اندازه لازم روی مسائل سیاسی داخلی جدیت ندارد؟

به هر حال انرژی دولت محدود است و مشکلات بزرگی در مقابل خود دارد. واقعیت این است که خیلی کارهایی هم که دولت کرده در این مدت مثل معجزه هستند. مثل همین بحث تورم و کارهایی که برای خروج از رکود انجام شده است. اما دولت محدودیت‌های زیادی دارد، خیلی‌ها دل‌شان با این دولت نیست. در مقابل رقبای دولت امکانات‌شان خیلی گسترده‌تر است. همه‌چیز دارند؛ رسانه در اختیار آنها است و انباشت مالی بسیار بزرگی دارند. راحت‌تر می‌توانند حرف بزنند و افکار خودشان را تبلیغ کنند. دولت این چیزها را ندارد و فکر می‌کند که باید بر اساس یک برنامه‌ای توان محدود خودش را در حوزه‌هایی که اولویت‌شان را تشخیص داده پخش کند. یعنی هم باید به هسته‌ای برسد، هم رکود و تورم را زمین بزند، هم مسائل داخلی را جمع کند. این است که فکر می‌کند چاره‌ای ندارد تا در برخی جاها کنار بیاید.

■ کجاها دارد کنار می‌آید؟ کنار آمدنش به لحاظ تاکتیکی درست است یا نه؟

مشخصا روی مسائل داخلی بیشتر کنار می‌آمده است. به نظرم می‌توانست در این بخش خیلی بهتر کار کند. دولت فکر می‌کند توان سیاسی‌اش فقط توان خودش است. در حالی که این‌طور نیست. در حوزه اقتصاد ما خیلی راحت از به صحنه آوردن توان مردم حرف می‌زنیم، خب این در حوزه سیاست داخلی هم می‌تواند وجود داشته باشد. دولت فکر کرده که سیاست در ایران یک در پشتی دارد که می‌تواند از آن وارد شود. یادش رفته اگر کف جامعه را فراموش کند هر لحظه می‌توانند آن در پشتی را روی او ببندند و او تک و تنها پشت در می‌ماند.

■ برویم سراغ مجلس. می‌گویید دولت دارد یک جاهایی کنار می‌آید. مجلس در این ۲۰ ماه گذشته شاید مهم‌ترین مرکز انتقاد از دولت بوده. دولت سیاستش در قبال مجلس چگونه است؟ سر مسائل اختلافی با هم کنار آمده‌اند یا نه؟

روابط دو قوه خیلی زیاد بالا و پایین داشته. یک نکته اصلی این است که اساس جنس و مجلس و دولت با هم فرق می‌کند. مجلس یک مجلس اصولگرا است که تمایل مشخصی هم به برخی رفتارهای رادیکال و تند دارد و دولت به لحاظ سیاسی معتدل و در برخی جاها اصلاح‌طلب است. در همین انتخابات سال ۹۲ مگر چند نفر از نمایندگان مجلس هوادار آقای روحانی بودند؟ خب مشخص است که مجلس به لحاظ سیاسی با دولت زاویه دارد. زاویه هم اصلا زاویه کمی نیست، یعنی تقابل یک بخش مهم از مجلس با سیاست‌های محوری دولت مشهود است. نمونه‌اش همین بحث مذاکرات است.

■ خب این بخشی که اشاره کردید چقدر توانسته موثر باشد؟ منظورم همین بخش منتقد دولت است.

به هر حال در برخی جاها موثر بوده‌اند. مهم‌ترینش بحث استیضاح آقای فرجی‌دانا بود. آنجا و خصوصا بعد از آقای فرجی‌دانا در جریان معرفی دو وزیر پیشنهادی دیگر به مجلس مشخص شد که در حوزه آموزش عالی چقدر کلیت مجلس نگاهش با نگاه دولت متفاوت است و تمایلات دیگری دارد.

■ جریان برکناری آقای فرجی‌دانا چقدر مبنای سیاسی داشت؟

تقریبا تمامش سیاسی بود. اصلا به نظر من که در آن جلسه به عنوان مدافع آقای فرجی دانا نطق کردم، مبنای علمی و فنی در کار نبود.

■ آیا این تفاوت نگاه در تمام حوزه‌ها همین‌طور است؟ یعنی مثلا در حوزه اقتصادی هم آیا تقابلی که گهگاه شاهد هستیم مبنای سیاسی دارد؟

ببینید نه مجلس یک موجودیت یکدست دارد و نه دولت. درباره موضوعات و حوزه‌هایی هم که هستند نیز حساسیت یکدستی وجود ندارد. من قبول دارم که برخی مخالفت‌ها در حوزه اقتصادی هم مبنای سیاسی دارد اما شکل و اندازه و کیفیت آنها را نباید با کیفیت مخالفت مجلس با فرجی‌دانا از یک جنس دانست. یعنی نگاه سیاسی در این حوزه‌ها کمتر است.

■ یک حوزه مهم در روابط دولت و مجلس، حوزه سیاست خارجی و بحث مذاکرات است. الان مجلس چه درست یا چه نادرست به عنوان مرکزی برای مخالفت با مذاکرات مطرح است. یعنی خیلی‌ها از مجلس چنین تصوری دارند. واقعیت موجود در صف‌کشی‌های داخل پارلمان در قبال مذاکرات، خصوصا بعد از تفاهم لوزان چگونه بوده است؟

در حوزه سیاست خارجی و مذاکرات و روابط مجلس و دولت در این بخش چند موضوع وجود دارد. واقعیت این است که در مذاکرات و سیاست خارجی اگر دولت هر گلی به رقیب بزند، آن را نباید پای حساب این دولت و یک جریان خاص نوشت. به هر حال هر موفقیتی حاصل شود زیر سایه مقام معظم رهبری و حمایت نظام حاصل شده که دولت تنها بخشی از این نظام است. در اینجا نگاه سیاسیون به مذاکرات را می‌توان در چند دسته قرار داد که این دسته‌بندی برای نگاه نمایندگان و موضع آنها هم صدق می‌کند. اول اینکه یک گروه قابل توجهی به این موضوع اعتقاد دارند که مذاکرات تصمیم نظام است و دولت در این راه کارگزار نظام سیاسی است. این گروه عموما از مذاکرات حمایت می‌کنند و برخی مواقع هم انتقاداتی دارند که خیلی چارچوب‌مند مطرح می‌شود. اما گروهی که مشخصا مخالف یا منتقد جدی مذاکرات هستند در دو دسته عمده جای می‌گیرند. البته از این طیف هم کسانی هستند که عمیقا بر مخالفت خود با مذاکرات اعتقاد دارند و آن را دفاع از نظام می‌دانند و فکر می‌کنند کارشان صحیح است. اما به جز اینها دو طیف عمده وجود دارند. یکی آنهایی که فکر می‌کنند موفقیت مذاکرات در سیاست داخلی طیف دولت را قوی می‌کند. اینها لزوم انجام مذاکرات و موفقیت آن را درک می‌کنند، اما همزمان درصدد هستند تا نقشی هم در این بین بگیرند تا بتوانند به میزان همان نقش از اقبال عمومی بهره ببرند. یعنی می‌خواهند بگویند تنها دولت نبوده و ما هم بودیم. چون متوجه هستند که مردم نسبت به مذاکرات و نتیجه بخش بودن آن امید دارند و احساس می‌کنند اگر بتوانند قسمتی از موفقیت را به نام خود سند بزنند، برای حیات سیاسی‌شان یک موقعیت خوب فراهم می‌شود. یک بخش دیگر اما حیات سیاسی‌شان در گروه تندروی در داخل و خارج است. اینها اگر مذاکرات به نتیجه برسد و راه باز باشد، باز هم نمی‌توانند خود را در نتیجه مذاکرات سهیم نشان دهند. چون سال‌هاست که شعارهایی خلاف این می‌دادند و اگر امروز بیایند و خود را در این پروسه سهیم نشان دهند نمی‌توانند جوابگوی پایگاه اجتماعی باشند که طی این سال‌ها توانسته‌اند آن را بر بستر شعارهای تند و سیاست‌های تقابلی بسازند. یعنی هواداران‌شان طلبکار اینها می‌شوند. الان من می‌توانم بگویم که دسته‌بندی عمومی مجلس در قبال مذاکرات را می‌توان در این سه جریان معرفی کرد.

■ وزن‌کشی اینها الان چطور است؟ به هر حال الان طرح‌های تندی چون بحث «خروج از مذاکرات» هم مطرح شده است و این خیلی از حامیان مذاکرات را نگران کرده است.

این طیف سوم که مخالف جدی مذاکرات هستند الان به بن‌بست خورده‌اند. همین طرح «خروج از مذاکرات» را نگاه کنید. ببینید با چه وضعیتی برایش امضا جمع شد. بعد از تفاهم لوزان اظهارنظرهای طیف مخالف دو شاخصه مهم دارد؛ اول اینکه سخنان‌شان تندتر و برنده‌تر شد. مثل اتفاقاتی که در جلسه کمیسیون امنیت ملی با آقای ظریف افتاد و تهمتی که به ایشان زده شد یا همین طرح «خروج از مذاکرات». دوم اینکه توان اینها برای یارکشی بسیار تعدیل شد. نخستین روزی که مجلس بعد از نوروز و در حقیقت بعد از تفاهم لوزان کارش را شروع کرد، هر پنج نطق میان دستور به حمایت قاطع از نتیجه مذاکرات لوزان پرداختند. در همان روز یکی از نمایندگان پلاکاردی نوشته بود که بالای سر گرفت، اما نتوانست آن را یک قدم از صندلی خود تکان دهد. اینها نشانه آخر خط است. جریان‌های تندرو به هر میزانی که هواداران خود را از دست می‌دهند به همان میزان صدای شان بلندتر می‌شود. حالا این را با فضای بعد از توافق ژنو مقایسه کنید، می‌بینید که یکدستی مخالفان مذاکرات از هم پاشیده است. آنجا، یعنی بعد از توافق ژنو، وزیر خارجه به جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌آید و در آن جلسه اختلافاتی جدی بین او و تعداد قابل توجهی از نمایندگان این کمیسیون بروز می‌کند. دامنه آن اختلافات به چند هفته بعد از آن جلسه هم کشیده می‌شود که همه یادشان است. آن در شرایطی بود که هنوز هیچ چیز قطعی وجود نداشت. امروز در یک قدمی توافق وقتی وزیر خارجه به جلسه کمیسیون یا صحن غیرعلنی می‌آید به جز یکی دو نفر دیگر کسی علیه وی موضع‌گیری نمی‌کند. توجه کنید که هر چند هنوز توافقی در کار نیست اما ما به یک قدمی آن رسیده‌ایم. این فضا یعنی بن بست برای مخالفان مذاکرات.

■ یعنی تغییری در مجلس اتفاق افتاده است؟

به یقین می‌گویم بله، تغییر اتفاق افتاده. من شما را ارجاع می‌دهم به جلسه‌ای که آقای ظریف بعد از لوزان به جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی آمد و من هم در آن جلسه بودم. آنجا بحث درگیری لفظی که آقای کریمی‌قدوسی ایجاد کرد خیلی برجسته شد، اما به نظر من آن جلسه و البته جلسه غیر علنی روز بعدش نکات بسیار مهم‌تر دیگری داشت که دیده نشدند. از جمله اینکه گروه‌هایی مثل نزدیکان جبهه پایداری بسیار آرام‌تر بحث کردند و آن بحث آقای کریمی‌قدوسی یک موضوع کاملا شخصی بود که همفکران وی هم همراهی‌اش نکردند. بعد مشخص بود که در طرح مباحث یک تقسیم کاری بین آنها صورت گرفته و سعی می‌کردند منطقی‌تر و قابل پذیرش‌تر موضوعات مد نظرشان را مطرح کنند. روز بعدش در جلسه غیر علنی هم همین‌طور بود. در این مدت هم که از قضیه لوزان گذشته شاهد بودیم که به جز موارد اندکی دیگر خبری از نطق‌های تند و تیز علیه مذاکرات نیست.

■ به هر حال اینها دل‌شان چندان با مذاکرات نیست. فکر می‌کنید راهبردشان بعد از این چه باشد؟

برداشت من از نوع رفتارهای بعدی این طیف‌ها این است؛ همراهی آرام و کم تنش‌تر به همراه تنه زدن از بغل به دولت. اینها تا پایان پارسال از روبه‌رو دولت را در بحث هسته‌ای می‌زدند. الان سعی می‌کنند یک جاهایی کنار دولت قرار بگیرند و از بغل تنه بزنند. برنامه اصلی مخالفان دولت، گرفتن انرژی و وقت دولت است. یعنی می‌خواهند دولت را درگیر حاشیه کنند.

■ به صورت عینی برای این تنه از بغل چه کارهایی می‌کنند؟

ببینید اینها از این پس سعی می‌کنند در کلام موضع دولت را قدری تایید کنند و مثلا بگویند ما موافق مذاکرات هستیم، اما به طور مستمر و مداوم‌تر از قبل مباحث مربوط به هسته‌ای را زیر سوال می‌برند.

■ چگونه؟ مثلا آیا اصرار بر انتشار فکت شیت می‌تواند قسمتی از همین پروژه باشد؟

نه اتفاقا بحث فکت شیت زدن از روبه‌رو است. اینها کارهای دیگری می‌کنند. مثلا از بهمن تا الان پنج یا شش طرح مختلف درباره ملزم ساختن دولت به موارد متعددی در مذاکرات را تهیه کرده‌اند. یا تلاشی که برای تصویب توافق نهایی در مجلس وجود دارد در همین راستا است. به طور کلی در این مدت ظاهر ادبیات این طیف‌ها در قبال دولت نرم‌تر شده اما در لایه‌های زیرین سوالاتی را مطرح می‌کنند که می‌تواند خیلی‌ها را قلقلک دهد.

■ خب حالا وضعیت طیف موافقان دولت چطور است؟

در اینجا دو بحث است. اگر منظور از طیف موافقان دولت یک برداشت عمومی درباره کل شؤون دولت است که باید گفت این مجلس را نمی‌توان مجلسی موافق دولت دانست و اکثریت قاطع آن دولت را رقیب خود می‌دانند. اگر در بحث مذاکرات است که فضا از ابتدای سال جدید عوض شد. فضای مجلس را می‌توان هر روز از همان جلسات صبحانه تشخیص داد. روز اولی که مجلس بعد از عید باز شده بود، در جلسه صبحانه مشخص شد که موضع عمومی مجلس، بحث حمایت از دولت است. اما این ربطی به همراهی نمایندگان با دولت ندارد و این دولت هم نباید امیدبه همراهی مجلس نهم داشته باشد.

■ پس چه شده که در جریان مذاکرات، به گفته شما فضا فرق کرده است؟

من فکر می‌کنم تحت تاثیر فشار فضای عمومی جامعه است. یعنی سران این جریان هم می‌دانند که مخالفت آنها باید یک حد و اندازه مشخص داشته باشد و تابع یک برنامه‌ریزی باشد.

■ اینکه گفته می‌شود مذاکرات تصمیم نظام است و در جایی فراتر از دولت درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود، چقدر در تاکتیک و برنامه منتقدان آن در مجلس تاثیر گذاشته است؟

هیچ تاثیری نداشته. ببینید اینها هنوز معتقدند که دولت و تیم مذاکره‌کننده خودسرانه اقدام می‌کنند و از به زبان آوردن این موضوع هم ابایی ندارند. قبلا این را عیان می‌گفتند و امروز بیشتر در جمع‌های خصوصی آن را مطرح می‌کنند. یک مساله‌ای را که این جریان روی آن تاکید کرده و برایش کار می‌کند این است که جا بیندازد تصمیم نظام آن چیزی بود که دوران آقای جلیلی در مذاکرات اتفاق می‌افتاد و آنچه امروز جلو می‌رود خارج از چارچوب برنامه نظام است.

■ خب فرض بگیریم که چند وقت دیگر به توافق برسیم. همه این بحث‌ها مربوط به زمان مذاکرات است. عاقلانه آن است که این طیف‌ها برای بعد از مذاکرات هم برنامه داشته باشند. برای زمانی که احتمالا به توافق رسیدیم. آیا اصلا برنامه‌ای در دست دارند؟

نمی‌تواند خوب مسائل را تبیین کند، ثانیا در برخی جاها زود عصبانی می‌شود و ثالثا نمی‌تواند از ظرفیت هوادارانش استفاده کند. حالا چه در کف جامعه و چه در جایی مثل مجلس. یعنی دولت از هوادارانش حرف‌شنوی ندارد.

■ بر می‌گردم به سوالی که مطرح کردم اینکه دولت چقدر در ساماندهی هوادارانش موفق بوده و آیا در سیاست‌هایش جایی برای این موضوع دیده یا نه؟

من در سطح مجلس می‌گویم. در مجلس طیف هوادار دولت هیچ هماهنگی با هم ندارند. یعنی هر کسی کار خودش را بر اساس برداشتی که دارد، انجام می‌دهد. دولت هم تعامل خوبی با مجلس ندارد. به هر حال این مجلس به لحاظ سیاسی رقیب دولت است و بروز اختلاف بین این دو قوه با چنین چینش سیاسی بسیار طبیعی است. اما دولت برنامه‌ای برای کنترل این تنش ندارد. یعنی حتی حرف هواداران خودش در مجلس را هم به‌سختی می‌شنود و به آن توجه می‌کند. طیف هوادار دولت در واقع امر یکسری نماینده پراکنده و تقریبا غیرهماهنگ در مجلس هستند. در حالی که گروه‌های منتقد دولت کاملا با هماهنگی کار می‌کنند. حضور سیاسی دولت در مجلس بسیار ضعیف است.

■ منظورتان از حضور سیاسی چیست؟

منظورم این است که رایزنی‌ها در سطح پارلمان بسیار ضعیف انجام می‌شود. انگار دولت در مقابل منتقدانش خودش را از قبل باخته و امیدی ندارد که بتواند با رایزنی گرهی باز کند. درست است که منتقدان دولت هم بسیار لجباز هستند اما ضعف حضور سیاسی دولت در مجلس هم با این چیزها نمی‌تواند توجیه شود. من می‌گویم در جریان استیضاح آقای فرجی‌دانا یا مسائل دیگری که برای دولت پیش آمد این ضعف خود را نشان داد. پارسال واقعا دولت آنطور که نیاز بود برای استیضاح آقای فرجی‌دانا وقت و انرژی نگذاشت. بعد هم در معرفی گزینه‌های بعدی رفت سراغ سیاست لجبازی و انفعال. یعنی دوبار لجبازانه عمل کرد و بار سوم منفعلانه.

■ یعنی معرفی آن سه گزینه به نظر شما لجبازی و انفعال بود؟

نه. منظورم از این موضوع انتخاب افراد نبود، بلکه شکل انتخاب آنها و شیوه معرفی به مجلس و رایزنی‌ها بود. دولت در دو بار بعد از استیضاح آقای فرجی‌دانا که حقیقتا مظلومانه برکنار شد، طوری گزینه‌های خود را به مجلس معرفی کرد که انگار معرفی‌اش با هدف رای نیاوردن بود. یعنی نه رایزنی جدی در کار بود، نه صحبت قابل توجهی با نمایندگان و نه هماهنگی با طیف‌های همسو با دولت. در دیگر مقاطع هم همینطور است، حتی در بحث هسته‌ای که مهم‌ترین سیاست و برنامه دولت است، نمایندگان موافق، هیچگاه پشت‌گرمی دولت را احساس نکردند، در حالی که خودشان را موظف می‌دانستند که در تمام این ماه‌ها به دولت پشت‌گرمی بدهند. این هم بر می‌گردد به نگاه کلی دولت درباره مناسبات سیاسی. اگر الان در سطح جامعه و احزاب هم نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که دولت در اینجاها هم قدری ضعیف عمل کرده است. همین ضعف است که به کار دولت در حوزه پارلمان و سیاست‌ورزی‌اش در این عرصه سرایت کرده است.

■ به عبارتی پس می‌توان گفت که هواداران دولت در مجلس توان بازی‌سازی ندارند.

تاحدودی این‌طور است. وقتی تاکتیک و برنامه‌ای در کار نباشد، بازی هم وجود نخواهد داشت. الان همه دارند به صورت فردی و بر اساس برداشت شخصی کار می‌کنند.

■ در طیف منتقدان دولت چطور؟ آنجا به نظر می‌رسید که بعد از انتخابات ۲۴ خرداد قدری توان بازی‌سازی سیاسی گرفته شده و فقط آنها می‌توانند بازی‌خراب‌کن باشند. الان آیا این وضع فرق کرده؟

بله، فرق کرده. قول دادم که اینها تا مدتی فقط می‌توانستند بازی‌خراب‌کن باشند. اما الان چند وقتی است که دوباره دارند برای خودشان و دیگران بازی‌سازی می‌کنند. الان هر چقدر هم بیرون فضای مجلس از اختلاف بین جریان اصولگرا و احتمال ضعیف وحدت میان آنها بگویند، اما واقعیت این است که اگر اصولگرایان چندپاره‌شده در دوران احمدی‌نژاد، بتوانند یک بار با هم ائتلاف کنند همین انتخابات مجلس دهم است. اینها خوب می‌دانند که رقیب دارند و بهتر از آن می‌دانند که ائتلاف چقدر برای‌شان حیاتی است. بنابراین با وجود آن چیزی که الان به نظر می‌رسد، حداقل ائتلافی بین گروه‌هایی مثل جبهه پایداری و اصولگرایان سنتی شکل خواهد گرفت و اینها بازی‌سازی خودشان را شروع کرده‌اند. در حالی که طرف مقابل هنوز وارد فاز بازی‌سازی نشده است. اینها در کنار بازی‌سازی که می‌کنند، همان‌طور که گفتید، مشغول خراب کردن بازی بقیه و خصوصا دولتی‌ها هم هستند و متاسفانه دولت هم نشان داده که استعداد این را دارد که در بازی این طیف‌ها گرفتار شود. دولت تمرکز کافی ندارد که ضربه‌ای بزند و بلافاصله عقب برود تا ضربه نخورد. متاسفانه در این زمینه هوشیاری لازم از تیم آقای روحانی دیده نشده است.

■ در این بازی‌سازی چهره‌هایی مثل آقای لاریجانی چقدر نقش یا جایگاه دارند؟

آنها اصلا لاریجانی را اصولگرا نمی‌دانند که بخواهند برای او نقشی قایل باشند. خیال‌شان هم جمع است که فعلا شخصی مثل آقای لاریجانی خیلی تشکیلات گسترده‌ای ندارد که برای آنها خطری محسوب شود. حالا در این بین یک عده‌ای مستقیما با آقای لاریجانی سر شاخ می‌شوند که بیشتر همان جبهه پایداری و فراکسیون اصولگرایان هستند و یک عده‌ای هم رقابت سرسختانه اما محترمانه‌تری را شروع کرده‌اند. در کل فکر می‌کنم آقای لاریجانی روزهای سختی را می‌گذراند و البته هواداران دولت هم باید متوجه باشند که اگر لاریجانی هزینه‌ای می‌پردازد، مقدار زیادی از آن به دلیل حمایتش از دولت در قامت رییس مجلس است.

■ این اختلافات و تغییر صف‌کشی‌ها در سال پایانی مجلس نهم چگونه خود را نشان خواهد داد؟

ببینید ما در سال پایانی سه موضوع مهم را در مجلس داریم؛ بررسی برنامه ششم توسعه، بحث مذاکرات و بحث انتخابات. بیم اساسی این است که بحث بررسی برنامه ششم و بعد از آن موضوع مذاکرات قربانی رقابت‌های انتخاباتی شود. بیم اساسی این است که موضوع برنامه ششم قربانی این رقابت‌ها شود، چون بحث مذاکرات تا حدود زیادی جلو رفته است و منتقدان و رقبای دولت تا جایی که می‌توانستند تا الان تاثیر خود را گذاشته‌اند.

■ یعنی احتمال دارد درباره برنامه ششم دست به چه کاری بزنند؟

ما از اجرای برنامه‌های توسعه در دولت‌های نهم و دهم و تدوین برنامه پنجم در این دولت‌ها خاطره بسیار بدی داریم. احمدی‌نژاد اصلا اعتقادی به برنامه نداشت و طرفداران او هم همین‌طور. بیم اساسی این است که در جریان تصویب برنامه ششم، منتقدان دولت و هواداران احمدی‌نژاد بخواهند کلیت برنامه را به سمتی ببرند که قبلا در دولت‌های نهم و دهم چنین کرده بودند.

■ این به انتخابات چه ربطی دارد؟

رقابت‌ها و زد و خوردهای انتخاباتی چنین انگیزه‌ای در میان آنها را قوی‌تر خواهد کرد. آنها قطعا سعی می‌کنند قدری ریل برنامه را کج کنند تا حتی اگر در این انتخابات هم موفق نبودند، در دراز مدت برای دولت مشکل ایجاد کرده باشند و همین هم کار دولت و جریان سیاسی آن را برای جلب نظر مثبت مردم، سخت کند. یعنی درباره همین برنامه ششم چنین نگاهی هم وجود دارد.

■ یکی از موارد دیگری که می‌تواند تقابل را در سال پایانی مجلس شدت ببخشد، بحث استیضاح‌هایی است که روی دست هیات‌رییسه جمع شده‌اند. فکر می‌کنید سرنوشت اینها در سال آخر مجلس و در روزهایی که رقابت‌های سیاسی اوج می‌گیرند، به کجا خواهد رسید؟

ببینید استیضاح به نظر من دیگر کارکردش را در مجلس از دست داده است. از این نظر که خیلی سیاسی شده، من به عینه در مجلس می‌بینیم که اکثر استیضاح‌ها توجیه فنی ندارند. من خودم معتقدم که برخی وزرای کابینه عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند و این طور نیست که بگویم دولت کارش را مو به مو درست انجام داده است. اما فشاری که به آن وارد می‌شود چندین برابر ضعف‌هایش است. برخی هستند که می‌خواهند از استیضاح و از این ابزار قانونی سوءاستفاده کنند. در جریان برکناری آقای فرجی‌دانا هم که به نظر من یکی از مظلوم‌ترین وزرای بعد از انقلاب ما بود، همین اتفاق افتاد. من از لحظه‌ای که در آن جلسه نطق خود را تمام کردم، بابت آن دفاع از آقای فرجی‌دانا تهدید می‌شوم تا همین الان. یکی می‌گوید کاری می‌کنیم رد صلاحیت شوی، یکی دیگر چیز دیگری می‌گوید. در حالی که من از حق قانونی خود استفاده کرده و کاری قانونی انجام دادم. اما این یک تاثیری داشت و آن اینکه ابزار استیضاح بلااثر شد. یعنی تندروها تیغ خودشان را در همان استیضاح فرجی‌دانا کند کردند و این تیغ بعید است که تا پایان این مجلس سر وزیر دیگری را ببرد.

■ یعنی استیضاح‌ها اعلام وصول نخواهند شد یا اینکه اعلام وصول می‌شوند، اما رای نمی‌آورند؟

هر کدام باشد فرقی ندارد. حرف من این است که استیضاح تبدیل به یک مضحکه شد. برخی همکاران ما در مجلس که سابقه چند دوره نمایندگی دارند، می‌گویند در دوره‌های قبل نمایندگان به این راحتی که الان طرح استیضاح را امضا می‌کنند، طرح سوال را امضا نمی‌کردند. اتفاقا طراحان خیلی از استیضاح‌ها هم دوست دارند تا هیات‌رییسه استیضاح‌ها را اعلام وصول نکند و همین‌طور مثل یک شمشیری بالای سر وزیر باشند. چون دلایل خیلی‌ها برای امضا بسیار سطحی است و جای دفاع ندارند. مثلا فلان نماینده با فلان مدیر استانی خود مشکل دارد و برای رفع مشکل و فشار آوردن به وزارتخانه می‌آید و طرح استیضاح می‌دهد یا استیضاحی را امضا می‌کند. خب معلوم است این استیضاح در صحن علنی هم اگر مطرح شود به مضحکه تبدیل می‌شود.

■ چقدر این وضعیت فراگیر است؟

متاسفانه خیلی زیاد. یعنی نگاه ملی در خیلی از استیضاح‌ها وجود ندارد و این باعث شده تا استیضاح جدیت خود را از دست بدهد. ببینید الان هیات‌رییسه یک سالی است که مداخله کرده و جلسات مستمری برگزار می‌کند بین نمایندگان و وزرای مورد انتقاد. با وجود این جلسات الان ببینید آمار سوال‌ها و تذکرها چقدر افزایش یافته است. آیا واقعا وضعیت کشور این قدر به سمت خرابی پیش می‌رود؟ وضعیت کشور را مردم می‌بینند و قبل از آن را هم دیده‌اند. خب مشخص است که عملکرد دولت با آمار سوال‌ها و میزان فشارها نسبتی ندارد و این حکایت از آن دارد که دیگر استیضاح و سوال یک ابزار نظارتی نیست، بلکه یک ابزار صرفا سیاسی است. من فکر می‌کنم که در سال پیش رو یا شاهد استیضاح نباشیم یا اگر استیضاحی مطرح شود در حد یک مورد باشد، نه بیشتر.

> **بیم اساسی این است که بحث بررسی برنامه ششم و بعد از آن موضوع مذاکرات قربانی رقابت‌های انتخاباتی شود. چون بحث مذاکرات تا حدود زیادی جلو رفته است و منتقدان و رقبای دولت تا جایی که می‌توانستند تا الان تاثیر خود را گذاشته‌اند**

> **در مجلس طیف هوادار دولت هیچ هماهنگی با هم ندارند. هر کسی بر اساس برداشتی که دارد، کار انجام می‌دهد. دولت هم تعامل خوبی با مجلس ندارد. به هر حال این مجلس به لحاظ سیاسی رقیب دولت است و بروز اختلاف بین این دو قوه با چنین چینش سیاسی بسیار طبیعی است**